بانک

اعلام آمادگی خارجی‌ها برای خرید سهام شرکت «به‌پرداخت» ملت

مراسم معارفه قبل از عرضه سهام شرکت به‌پرداخت ملت با حضور مدیران ارشد بانک ملت و جمعی از سرمایه‌گذاران، کارگزاران، فعالان و سهامداران بورس برگزار شد. هادی اخلاقی‌فیض‌آثار، مدیرعامل بانک ملت در این مراسم با اعلام این نکته که در فاز نخست قرار است ۱۰ درصد سهام شرکت به‌پرداخت در بازار سرمایه عرضه شود، گفت: این شرکت از شرکت‌های وزین پرداخت در کشور است که جایگاه نخست را در کشور و خاورمیانه به خود اختصاص داده است. اخلاقی تاکید کرد: مجموعه‌های برون‌مرزی نیز به محض آگاهی از تصمیم بانک ملت برای عرضه سهام شرکت به‌پرداخت، برای خرید این سهام اعلام آمادگی کرده‌اند. وی با اشاره به تاریخچه ورود فناوری به نظام بانکداری کشور، اظهار داشت: شروع بحث بانکداری الکترونیک در کشور به ۴۵ سال قبل بازمی‌گردد که این روند بعد از انقلاب هم در اوایل دهه ۷۰ با توسعه استفاده از تکنولوژی‌های جدید در این حوزه ادامه پیدا کرد. دکتر اخلاقی افزود: با توجه به همت جمعی نظام بانکی در یک دوره ۱۰ ساله، بانک‌ها توانستند به صورت گسترده استفاده از ابزارهای نوین بانکداری الکترونیک را ترویج دهند.

بهاریه

همه تاریخ در یک لحظه

ادامه از صفحه اول

تو گویی آن لحظه، همان لحظه تاریخی غدیر است و همان آن که سقای آب و ادب، خود را به شریعه می‌رساند!

یا مقلب القلوب و الابصار! تمام هستی از ازل تا ابد لحظه شماری می‌کنند برای آن لحظه که مهدی فاطمه تکیه بر دیوار کعبه زند و بر این شاخه مرده درخت خشکیده حیات، دوباره نقش زندگی بدهد!

مدیریت بی‌تدبیر سوار بر موج احساسات

اقتصاد

ادامه از صفحه اول

تسهیل شرایط کار برای کوله‌بران و در عین حال کوله‌بر نگه داشتن آنها، به این معنی است که «ما مشکلی با وارد کردن کالاهای قاچاق توسط شما نداریم اما می‌خواهیم شما همچنان برای این کار رنج بکشید ولی این رنج کمتر بشود» که به عقل سلیم غریب می‌آید.

۴- رسول خضری، نماینده پیرانشهر در مجلس شورای اسلامی، یکشنبه ۲۲ اسفند ماه در یک نشست خبری، توضیحاتی را درباره نتایج بررسی‌های کمیته حقیقت‌یاب مجلس در موضوع کوله‌برها به اصحاب رسانه ارائه داد. از جمله نکاتی که توسط وی مطرح شد، قول مساعد وزیر کار بر بیمه تامین اجتماعی کردن کوله‌بران از نیمه دوم فروردین سال آتی بود.

بیمه شدن شهروندان نه‌تنها محل ایراد نیست، بلکه وظیفه‌ای است که مغفول ماندن آن تا به امروز باید موجبات شرمساری یکایک مسؤولان باشد. اصل بیست و نهم قانون اساسی نیز دولت‌ها را مکلف کرده تا خدمات تامین اجتماعی را برای «یک یک افراد کشور تامین کنند». وظیفه‌ای که به نحو بایسته به آن عمل نشد، تا آنجا که امروز خبر بیمه شدن گروهی از شهروندان، یک دستاورد به حساب بیاید.

۵- اما در ادامه خضری نکات دیگری را مطرح می‌کند که موجب نگرانی است. خضری در طول سخنرانی و در عنوان کردن برنامه‌هایی که در ادامه قرار است مبنای عمل قرار گیرد، همچنان از این شهروندان با نام کوله‌بر یاد می‌کند. گویی کوله‌بری شغلی است رسمی که قرار است ادامه داشته باشد. وی امید می‌بخشد که دست دلالان از فعالیت‌های کوله‌بران کوتاه خواهد شد و وعده می‌دهد معابر مورد استفاده کوله‌بران مناسب‌سازی خواهد شد.

از سخنان و ادبیات یادشده چنان برداشت می‌شود که کوله‌بری به رسمیت شناخته شده است و به عنوان یک شغل پذیرفته شده است. لیکن قرار است شرایط آن بهبود و تسهیلاتی برای شاغلان به آن اختصاص داده شود.

این اشتباهی است راهبردی در مواجهه با کوله‌بری. کوله‌برها به عنوان یک انسان دارای حقوق و کرامت باید به رسمیت شناخته شوند، نه به عنوان شاغلانی که یخچال و ماشین لباسشویی و تلویزیون خانه من و شما را به کول می‌کشند و از این رهگذر نانی به خانه می‌برند و ما هم مرحمت کرده، اندکی کارشان را تسهیل می‌کنیم.

کوله‌بری شرایط یک شغل مناسب را ندارد و باید جایگزین شود، نه اینکه به آن رضایت دهیم.

۶- بزرگ‌ترین اشتباهی که از سوی یک دولتمرد در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی می‌تواند صورت پذیرد، رضایت دادن به آن آسیب و کنار آمدن با آن است. این گزاره به مفهوم لزوم اقدام دفعی، هیجانی و ضربتی نیست. خیر! مشکلاتی که در گذر سال‌ها به وجود آمده‌اند، به یک شب از بین نخواهند رفت. چه بسا با اقدامات ضربتی، اوضاع بدتر هم شود ولی از مشاهده اقداماتی که صورت می‌گیرد، باید چشم‌انداز حل مشکل مشخص باشد. نباید سخنان و رفتارها و برنامه‌های دولتمردان، چنان باشد که برداشت شود این آسیب پذیرفته شده است و قصد داریم با آن کنار بیاییم و صرفا تلطیفش کنیم. مردمان آسیب‌دیده هم باید بسوزند و بسازند.

در مواجهه با آسیب‌ها باید به دنبال درمان بود. استفاده از مُسکن صرفا برای مدت موقت و به منظور آماده شدن جهت درمان جایز است. در غیر این صورت، مُسکن به مخدر بدل می‌شود و ما به رنج دیدن انسان‌ها عادت می‌کنیم.

در مواجهه با چنین مسائلی نباید نگاه سیاسی داشت یا در یک رویکرد پوپولیستی صرفا بر موج احساسات سوار شد و هرگاه عارضه‌ای پیشامد کرد دست به رفتارهایی برای تشفی خاطر افکار عمومی زد، بدون آنکه به دنبال حل اساسی مشکل بود. رفتارهایی بعضا خلاف قانون از جنس پرداخت خسارت بیمه به کارگران بیکار شده پلاسکو که از اول بیمه نبوده‌اند! یا همین ماجرای اخیر برای کوله‌برها و مواجهه پوپولیستی با آن....

اساسا مساله نه کوله‌بران مستضعف‌اند و نه کارگران بیکار شده ساختمان پلاسکو؛ این اقشار ممکن است در هر دوره‌ای به کمیت‌های مختلف و اشکال مختلف وجود داشته باشند، مساله این است که ساختار کلی دولت باید در راهبردهای کلان خود برای مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم اقدامی صورت دهد که ما با پدیده‌هایی از جنس کوله‌بری مواجه نباشیم، نه آنکه در بزنگاه‌ها با مُسکن‌هایی به میدان بیاییم و به آن اکتفا کنیم!

بیداری آن هم بدون هذیان‌گویی

حساب

ادامه از صفحه اول

ایشان می‌فرمایند: «من به نامزدهای گوناگون عرض می‌کنم جوری حرف بزنید که اگر در خرداد سال آینده نوار امروز شما را جلوی خودتان گذاشتند یا پخش کردند، شرمنده نشوید؛ جوری وعده بدهید که اگر چنانچه آن وعده را بعدا به رخ شما کشیدند، مجبور نباشید تقصیر را گردن این و آن بگذارید که نگذاشتند، نشد. کاری را که می‌توانید انجام دهید، وعده بدهید».

این یعنی در جمهوری اسلامی نمی‌شود وعده داد و از پاسخگویی به آن طفره رفت. البته وعده‌های کلی و مبهم این ویژگی را دارند در همه شرایط بتوان مدعی بود که به آنها عمل شده است. اینکه یک مسؤول بلندپایه معتقد است که به خاطر وعده‌هایی که به ملت داده است خجالت‌زده نیست، از این واقعیت ناشی می‌شود که وعده‌ها وعده‌هایی کلی بوده‌اند و براحتی می‌توان در هر شرایطی مدعی بود که محقق شده‌اند. اما آیا واقعا همه وعده‌هایی که جناب حسن روحانی به مردم داده‌اند وعده‌هایی کلی و مبهم بوده است؟ یا اینکه وعده‌های عینی و قابل سنجش نیز در میان آنها وجود داشته است؟ پاسخ به شکلی بدیهی مثبت است. بدیهی از آن جهت که ما فرض را بر آن قرار می‌دهیم که خواننده محترم خود تا حدود قابل قبولی در جریان رویدادهای انتخاباتی سال ۹۲ بوده است. علاوه بر این مساله باید به رویه‌ای که جناب روحانی در رقابت‌های انتخاباتی خود داشتند نیز اشاره کنیم. حسن روحانی و جریان‌های سیاسی که در اطراف او به اجماع رسیده بودند یک ساختار ساده و دووجهی از آنچه در آینده قصد اجرای آن را داشتند بیان می‌کردند. وجه اول، تغییر مدیران و کنار گذاشتن نیروهای بی‌کفایت و وجه دوم، حل کردن مناقشه هسته‌ای کشور را شامل می‌شد. در این شرایط ترسیمی کار در آینده برای حسن روحانی بسیار ساده می‌نمود. به شکلی که در ذهن آنها چنین شرایطی ترسیم می‌شد: با حل کردن سریع پرونده هسته‌ای، تحریم‌ها به سرعت برداشته می‌شود و جریان فروش نفت به روال سابق خود بازمی‌گردد و همچنین با تغییر اساسی رویه‌های سیاسی داخلی تمایل سرمایه خارجی برای ورود به کشور بیشتر شده و این در کنار درآمدهای نفتی منابع بسیاری برای ما به ارمغان خواهد آورد. بر همین اساس است که شاهد وعده‌های تغییر و بهبود در ۱۰۰ روز بودیم. روحانی می‌گفت با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید موانع تولید ملی به سرعت برداشته می‌شود و فقط با تسهیل شرایط گردشگری خارجی ۴ میلیون شغل ایجاد خواهد شد.

این ساده‌سازی به سرعت پس از روی کار آمدن دولت تدبیر و امید دنبال شد. شتاب غیرموجه دولت در جریان مذاکرات هسته‌ای و غفلت از جزئیات، ناشی از همین رویکردی است که توضیح دادیم. شرایط باید سریعا به مرحله‌ای می‌رسید که فروش نفت افزایش یابد و دلارهای نفتی براحتی وارد کشور شود. آنچه اما در عمل اتفاق افتاد تا حدود زیادی با این روند ساده ترسیمی تفاوت داشت. تحریم‌های لجستیکی برطرف شد- که مهم‌ترین آنها تحریم فروش نفت بود- ولی ساختارهای تنبیهی وزارت خزانه‌داری آمریکا در قالب بالا نگه داشتن ریسک معامله با ایران، به قوت خود باقی ماند و حتی احاطه اوفک بر مراودات مالی با ایران به سطحی بیشتر از برجام ارتقا یافت. محقق نشدن رویاهای تیم روحانی در جذب سرمایه خارجی و همچنین عدم امکان جریان طبیعی پول نفت به داخل کشور از تبعات بقای این ساختارهاست. در این شرایط است که دولت روحانی در این زمینه خلع سلاح شده است و بدون انقباض در هزینه‌های جاری دولت (که تبعات سیاسی و اجتماعی بسیاری دارد) به گسترش درآمدهای مالیاتی و منتقل کردن فشار انقباض مالی به بودجه عمرانی، مبادرت کرده است. این به‌دنبال خود ناتوانی دولت را در عمل به بسیاری وعده‌های کوتاه‌مدتش به‌دنبال داشته است. حتی تاکیدات روحانی بر ضرورت افزودن یارانه کالایی در کنار یارانه نقدی جز در یک مورد و آن هم به شکلی بسیار زننده، محقق نشد. با این اوصاف، روحانی معلوم نیست بر چه اساس از عدم خجالت‌زدگی خود در برابر مردم سخن می‌گوید. شاید او خود را محق می‌داند و شاید در نهایت تقصیر را به گردن برآورده نشدن انتظاراتش از برجام خواهد انداخت! چیزی که به نظر بسیار غیر محتمل می‌آید، چرا که روحانی هنوز قویا از برجام و نتایجش دفاع می‌کند و انتقادات از آن را از سر نادانی(!) و لجاجت منتقدان می‌داند. پس در شرایط رکود کنونی و تنگی عرصه بر مردم، دلیل خجالت‌زده نبودن ایشان از ملت چیست؟ گفتیم که در این روزگار حتی نمی‌شود سیاستمداری خود را به خواب بزند، بیداری کم‌هزینه‌ترین راه برخورد با بار مسؤولیت کج شده است. بله! بیداری آن هم بدون هذیان‌گویی.

بانک

شعب کشیک نوروزی بانک مهر اقتصاد اعلام شد

بانک مهر اقتصاد ضمن تبریک فرارسیدن سال نو به هموطنان گرامی به منظور رفاه حال مشتریان و ارائه خدمات بانکی در تعطیلات نوروز ۱۳۹۶ تعداد ۹۵ شعبه در سراسر کشور را به عنوان شعب کشیک اعلام کرد. به گزارش روابط عمومی بانک مهر اقتصاد، ۹۵ شعبه فعال این بانک در روزهای دوم و سوم فروردین‌ماه سال ۱۳۹۶ از ساعت ۹ تا ۱۳ آماده ارائه انواع خدمات بانکی به مشتریان و اعطای تسهیلات به متقاضیان واجد شرایط هستند. هموطنان عزیز برای اطلاع از آدرس شعب فعال بانک مهر اقتصاد در ایام تعطیلات نوروز ۱۳۹۶ می‌توانند به روزنامه‌های جوان و دنیای اقتصاد در تاریخ ۹۵/۱۲/۲۵ یا وب‌سایت بانک مراجعه کنند. همچنین تعداد ۸۰۰ دستگاه خودپرداز بانک مهر اقتصاد به صورت شبانه‌روزی در خدمت مشتریان عزیز خواهد بود.

ارتباطات

تا ۵۰۰ هزار ریال از همراه اول عیدی بگیرید

به مناسبت آغاز سال جدید، همراه اول به تمام مشترکان خود عیدی می‌دهد. به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، به مناسبت آغاز بهار طبیعت و عید نوروز، همراه اول به تمام مشترکان دائمی و اعتباری خود در ۵ مبلغ متفاوت از ۱۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال عیدی می‌دهد. در طرح نوروزی همراه اول که از اول فروردین تا پایان روز ۱۳ فروردین ۹۶ اجرا می‌شود، برای تمام مشترکان دائمی و اعتباری، پس از ثبت‌نام، یکی از ۵ مبلغ در نظر گرفته شده کاملاً به صورت تصادفی فعال می‌شود. این عیدی به صورت اعتبار داخل شبکه بوده و مشترک می‌تواند برای مکالمه (داخل شبکه)، پیامک و اینترنت با تعرفه آزاد، از آن استفاده کند. همراه‌اولی‌ها می‌توانند در بازه زمانی اعلام شده، از طریق شماره‌گیری یک کد دستوری، به صورت رایگان در این طرح ثبت‌نام کرده و از عیدی اپراتور اول که به صورت اعتبار داخل شبکه (همراه اول و تلفن ثابت) در نظر گرفته شده، بهره‌مند شوند. مشترکان همراه اول جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره این طرح می‌توانند به پرتال همراه اول به نشانی www.mci.ir مراجعه کنند.

گفت‌وگو

ادامه از صفحه ۴

اگر او چنین کاری را انجام دهد و کشورش را از قید تعهد به کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی خارج کند، ضرر ایران از این تعهد مضاعف می‌شود و می‌توانیم بگوییم دومین برجام دولت یازدهم که برجام زیست‌محیطی است هم مانند برجام اول، موجب تضعیف جایگاه ایران در مقابل آمریکا می‌شود. این اتفاقات نشان می‌دهد دیپلماسی زیست‌محیطی دولت، از ارزیابی صحیح وضعیت اقتصادی و حتی زیست‌محیطی کشور ناتوان بوده و موجب تضعیف مسیر توسعه کشور و ناپایداری آن شده است.

■ **یکی از مهم‌ترین منابع زیست‌محیطی کشورمان که اتفاقاً مدیریت آن وابستگی شدیدی به دیپلماسی زیست‌محیطی دارد، دریاها هستند. برنامه‌های دولت را برای حفاظت از منابع دریایی کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

اصلی‌ترین معضل کشور در خصوص دریاها، روند توسعه کنترل‌نشده و نامتوازن مناطق ساحلی و دریایی است که همین بی‌توجهی به مبانی زیست‌محیطی توسعه، محیط‌زیست دریایی و معیشت ساحل‌نشینان متکی به منابع دریا را تهدید می‌کند. محیط‌زیست دریایی و سواحل کشورمان به دلایل متعدد با خطر وقوع بحران روبه‌رو هستند. استحصال بی‌رویه منابع آبزی، ریزش نفت ناشی از اجرای عملیات اکتشاف و استخراج و حمل‌ونقل نفت که فقط در خلیج فارس به بیش از یک میلیون بشکه در سال می‌رسد، تحمیل آلودگی‌های شهری و روستایی و پساب‌های صنعتی و کشاورزی، اجرای عملیات عمرانی و توسعه ساحلی غیراصولی مثل خشک کردن دریا و احداث جزایر مصنوعی همگی از اتفاقات خطرناک مرتبط با دریاهاست. در مجموع، محیط‌زیست کشور در مناطق ساحلی و دریایی چه از حیث مدیریتی و چه از حیث امکانات، نیازمند تجدید قوا و توجه بیشتر است.

■ **به نظر شما راهکار حرکت به سمت حل معضلات و مدیریت صحیح در حوزه محیط‌زیست چیست؟**

اگر مسائل محیط‌زیست و توسعه در بستر محیط‌زیست را درست مدیریت نکنیم و بحران‌های ایجاد شده و در حال ایجاد را طبق مطالعات همه‌جانبه‌نگر علمی کنترل نکنیم، دچار بحران‌های عمیق منابع طبیعی می‌شویم. مساله خوزستان تنها یک نمونه از این بحران‌هاست که همان‌طور که عرض شد ماحصل سیاست‌ها و پروژه‌های دولت‌های قبلی بویژه دوران سازندگی است.

یکی از ضرورت‌های کشورمان در راستای حل معضلات زیست‌محیطی این است که برای نیل به رشد و توسعه اقتصادی، در درجه اول نگرشی سیستمی به سیاست‌های اقتصادی و زیست‌محیطی دولت داشته باشیم و این دو را جدا از هم تصور نکنیم. همچنین در انتصاب متولیان و مدیران محیط زیست، باید دغدغه‌مندی و داشتن تخصص‌های مرتبط، معیار اصلی باشد. مسؤول محیط‌زیست کشور باید با مفاهیم توسعه پایدار کاملاً آشنا باشد. چنین فردی باید بداند در منصبی قرار گرفته که نه تنها به نسل کنونی بلکه نسبت به نسل‌های بعدی جامعه نیز مسؤولیت دارد. اگر فردی با چنین درکی در جایگاه اول محیط‌زیست کشور قرار بگیرد، یقیناً وقت خود را مصروف بازی‌های جناحی و سیاست‌زدگی نخواهد کرد. یکی دیگر از مواردی که بسیار مهم است و نباید نادیده گرفته شود، موضوع آموزش محیط‌زیست در سطوح مختلف به جامعه و نیز به مسؤولان و سیاست‌گذاران است. در این خصوص به نظر می‌رسد نباید به تعریف فعلی طرفداری محیط‌زیست اکتفا کنیم و نگرش جدیدی مورد نیاز است. هر یک از ما نسبت به سیستم‌های طبیعی که پشتیبان ما هستند مسؤولیم و نباید به آنها آسیب برسانیم.

تشدید بحران گرد و غبار، آلودگی هوای کلانشهرها، ضعف دیپلماسی محیط‌زیست و بازی سیاسی با سلامت مردم در گفت‌وگویی با مهرداد بذرپاش

خاکسالی

ادبیات منفعلانه در محیط سنگلاخ جهانی

دیپلماسی

ادامه از صفحه اول

همانطور که ملاحظه می‌کنید رفتار سیاست خارجی دولت یازدهم در برخورد با تهدیدات عریانی که متوجه کشور می‌شود از همین نوع است. رفتاری که دست ما را برای طرف مقابل‌مان رو می‌کند. حتی اگر دست‌مان خالی باشد و کاری نتوانیم از پیش ببریم این دلیل نمی‌شود که این ناتوانی را به گوش طرف مقابل‌مان نیز برسانیم و اگر تا آن لحظه او با تخمین و تحلیل و عدم قطعیت وارد پروسه چانه‌زنی می‌شد، پس از مطمئن شدن از خالی بودن دست طرف مقابلش، دست برتر را پیدا می‌کرد. این جار زدن‌ها نه در سطوح پایین دولت روحانی بلکه در بالاترین سطح و بیشتر از همه خود ایشان دیده شده است. ادعای خالی بودن خزانه و مرتبط دانستن آلودگی هوا و حتی آب خوردن مردم با لغو تحریم‌ها، این اطمینان را به غربی‌ها و در رأس آنها آمریکایی‌ها داد که ایران در بدترین شرایط پس از تحریم‌ها به سر می‌برد، حتی رئیس‌جمهور کشور نیز که به تعبیر مصطفی کواکبیان پشت بلندگو سخنرانی حماسی می‌کند، عجز و ناتوانی از فشار تحریم را فریاد می‌زند و بشدت به توافق نیازمند است و این اگر گل به خودی نباشد، پاس گل طلایی به خودی خواهد بود. گلی که برجام نام گرفت و هنوز که هنوز است دستگاه دیپلماسی کشور و در رأس آن قهرمان دیپلماسی کشور جناب محمدجواد ظریف، با پشتوانه نظری همان رئالیسم افراطی، در به در به دنبال رفع و رجوع ایرادات و نواقص آن هستند. نواقصی که پس از اتمام قرارداد و تمام شدن معامله دیگر حتی با التماس هم برطرف نخواهند شد. صدالبته به قول جناب سریع‌القلم این نالیدن از بدعهدی آمریکایی‌ها و صحبت از صلح‌دوستی و گل و بلبل در محیط سنگلاخ سیاست جهانی کاربردی ندارد. ظریف در جریان سفر اخیر روحانی به نیویورک برای حضور در سازمان ملل، طی سخنانی در شورای روابط خارجی آمریکا گفته بود: «برخی از کسانی که شما هم می‌شناسید و برخی از بانک‌های اروپایی مقدار بسیار زیادی جریمه شده‌اند. ارقام آنقدر بزرگ هستند که گفتن آنها دشوار است... این نوعی از ترس و وحشت است که این قبیل جریمه‌ها برای بانک‌های اروپایی ایجاد کرده است. در نتیجه آنها می‌خواهند بیایند و با ایران معاملات جدیدی را آغاز کنند... اوفک به آن افراد می‌گوید اشکالی ندارد با ایران معامله داشته باشید ولی... و این ولی که آنها می‌گویند به قدری طولانی است که... البته یک جمله می‌گوید اشکالی ندارد با ایران معامله داشته باشید و در عوض در ۵ صفحه اما و اگرهایی ذکر شده است و در نهایت این بانک‌ها می‌گویند ما مسیر امن‌تر را در پیش می‌گیریم و اصلا ایران را فراموش می‌کنیم و نتیجه همیشه همین بوده است. هیچ‌یک از بانک‌های اصلی اروپایی پس از گذشت ۸ ماه از توافق هنوز هم نمی‌خواهند معامله‌ای با ایران داشته باشند».

این یکی از نمونه‌های همان چیزی است که نالیدن از بی‌وفایی آمریکایی‌ها دانستیم. این مساله بسیار ساده است و این در اصل اعتراف جناب ظریف به شکست است، چرا که این بر عهده ایشان بود که در برجام از وجود راه این نوع اعمال محدودیت‌های مالی جلوگیری کنند ولی تیم مذاکره نتوانستند یا نخواستند زخم عفونی و کهنه اس‌دی‌ان لیست را ببندند و فقط بر روی حذف تعدادی از آن لیست تمرکز کردند. حالا پس از برچیده شدن برنامه هسته‌ای ما و باقی ماندن یک دکور تزئینی از آن آیا سزاست آبروی این ملت را با این دست رفتارهای غلط و ناله‌کردن‌های مهوع به حراج بگذارید؟ مثلا آیا رواست که ملت تحقیر شدن توسط فرانسوی‌ها را متحمل شوند و شاهد این باشند که فرانسوی‌ها در طول روز در خلیج‌فارس به همراه انگلستان و آمریکا رزمایش نظامی برگزار کنند و تلویحا از ایران زهر چشم بگیرند و شامگاه همان روز در سفارت‌شان در تهران شیشه‌های کنیاک‌شان را بهم بزنند و به ریش ما بخندند؟ چندی پیش در بدو ورود «ژان مارک آیرو» وزیر خارجه فرانسه به تهران، ضیافت شامی در سفارت فرانسه و به افتخار وزیر خارجه و تجار همراه وی از سوی سفیر فرانسه برگزار شد. در میانه میهمانی و پس از سخنرانی آیرو، یکی از تجار فرانسوی وی را مورد خطاب قرار داده و می‌پرسد: «جناب وزیر! چرا این سفر دقیقا در روزی انجام شد که فرانسه به همراه انگلیس و آمریکا در خلیج‌فارس و در نزدیکی آب‌های ایران مانور نظامی که طبیعتا پیام‌های خاصی دارد، برگزار کرده‌اند؟» این تاجر برجسته فرانسوی در ادامه با نگرانی می‌پرسد: «آیا فکر نمی‌کنید این مساله روی روابط تجاری ما با ایران تاثیر بگذارد و نتوانیم در این سفر قرارداد خاصی منعقد کنیم؟ شما از واکنش مقامات ایرانی نگران نیستید؟» وزیر خارجه فرانسه در پاسخ می‌گوید: «خیر! بنده هیچ نگرانی نسبت به موفقیت‌آمیز بودن این سفر ندارم. مقامات ایرانی در هیچ یک از جلسات مقدماتی و برنامه‌ریزی برای سفر در تهران و پاریس به این مساله معترض نشدند». آیرو سپس در موضعی مقتدرانه مدعی می‌شود: «دولت ایران به این سفرها احتیاج دارد و مطمئنم هیچ اعتراضی را هم در جلسات فردا نخواهیم شنید».

رهبر معظم انقلاب هم با دلخوری اشاره‌ای به این موضوع کرده‌اند و در جمع دست‌اندرکاران اردوهای راهیان‌نور فرموده‌اند: آن وقت کسی رویش بشود در مصاحبه بگوید که ایرانی‌ها آنقدر به این مذاکرات احتیاج دارند که رزمایش [ما علیه آنها] ضرری به این مذاکرات اقتصادی نمی‌زند.

کاش مرحوم مدرس زنده بود و یکبار دیگر با صدای بلند خطاب به این قهرمانان دیپلماسی و بازگردانندگان عزت به ملت ایران می‌گفت که «اگر بناست بمیریم چرا به دست خودمان بمیریم؟»

مگر چاره دیگری هم دارید؟

سیاست

ادامه از صفحه اول

... چنانکه محمدرضا تاجیک از پایگاه نظری اصلاح‌طلبان هم امروز وضعیت روحانی را مناسب نمی‌داند و «اگر دولت آقای روحانی صدای پای آینده را نشنود تا قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری توسط مخالفان «چپ و راست» می‌شود. اگر دولت آقای روحانی تمایل دارد دولت ۴ ساله‌اش به ۸ سال ارتقا پیدا کند باید در طول یک سال آینده نمایش کارآمدی و توانمندی از خود بروز بدهد و به نیازهای فوری و ملموس مردم پاسخ مناسب بدهد». مشاور رئیس دولت اصلاحات درباره عملکرد دولت و اوضاع اجتماعی آن می‌گوید: «بی‌تردید آنچه به نام جریان اعتدالگرا مطرح شد نه دارای پایگاه گفتمان و نه دارای گفتمانی بود، هر چند به صورت تساهل و تسامح اسمش را می‌گذارند گفتمان اعتدالگرا اما هیچ‌چیز از این گفتمان بهره نبرده است و هنوز نتوانسته خودش را در قامت گفتمان عرضه کند و هیچ گرانیگاه و خاستگاه وسیع طبقاتی ندارد. اگر بخواهم صریح بگویم تنها شانس آقای روحانی در انتخابات آتی فقدان آلترناتیو است. آقای روحانی نه اینکه آلترناتیو برتر جامعه باشد و نه اینکه تنها بازیگر مقبول کشور در عرصه سیاست باشد اما چون بازیگر دیگری نیست، با کارت دیگری نمی‌شود بازی کرد. فرض من این است که در شرایط عادی همین اتفاق خواهد افتاد، البته نه به علت اینکه دولت کنونی دولت موفقی در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی بوده است». با این وضعیت همپیمانی فراکسیون امید و دیگر اصلاح‌طلبان با روحانی چیزی جز ادامه همان فروکاست ایدئولوژیک این جریان نیست.

فارغ از اینکه اساسا مطالبات و دغدغه‌های فراکسیون اصلاح‌طلب هیچ قرابتی با مشکلات مردم ندارد و طرح‌های این فراکسیون از جمله طرح برخورد با سوال‌کنندگان نیز خود موید این مساله است، واقعیتی که وجود دارد و خود اصلاح‌طلبان هم خوب می‌دانند این است که روحانی خیالش جمع است که این جریان به دلیل خطای هولناک سال ۸۸ و شورش علیه جمهوریت نظام اساسا در نقطه‌ای قرار ندارند که بخواهند برای روحانی تکلیفی تعیین کنند یا امتیازی بگیرند. روحانی می‌داند حکایت اصلاح‌طلبان حکایت فردی است که از او سوال کردند: اگر در دریایی مواج کوسه دنبالت کرد چه می‌کنی؟ گفت بالای درخت می‌روم. گفتند: آخر وسط دریا درختی در کار نیست! گفت مجبورم می‌فهمی؟ روحانی خوب می‌داند که آن کوسه عملکرد خطرناک جریان اصلاح‌طلب در فتنه ۸۸ است، از همین رو است که حتی در آن جلسه ۸۰ نفره هم دوست دارد از به اصطلاح موفقیت‌های اقتصادی دولت بگوید. روحانی ترجیح می‌دهد به جای فکر کردن به اصلاح‌طلبان، کار نکرده در حوزه اقتصاد در ۴ سال گذشته را با آمار دادن پر کند، حتی حاضر است با اعتماد به نفس بسیار بالا در حالی که رکود و بیکاری به عنوان ۲ سم کنونی فضای اقتصادی با گوشت و پوست و استخوان مردم لمس می‌شود از رشد اقتصادی بالای ۱۱ درصد بگوید و این وسط ابایی هم ندارد که توضیح دهد چرا در آستانه انتخابات، سال پایه از ۸۳ به ۹۰ تغییر می‌کند و چرا این تغییر در سال ۹۴ انجام نشده است؟ چرا معاون بانک مرکزی در آخرین روزهای اسفند ۹۵ نرخ رشد اقتصادی سال ۹۴ را که جزو اسرار مگوی دولت بوده است افشا می‌کند و اعتراف می‌کند نرخ رشد منفی ۱/۶ درصد بوده است که بدون احتساب نفت به منفی ۳/۱درصد می‌رسد؟ چرا این آمار پیش‌تر توسط برخی مسؤولان دولتی بین ۰/۷ تا یک درصد اعلام شده بود؟ چه نیازی به اعلام و ساخت آمارها وجود دارد؟

دولت جناب روحانی و اصلاح‌طلبان از جنبه‌های مختلفی با هم اختلاف دارند اما به نظر می‌رسد در ۲ موردی که ذکر شد هر دو مجبورند به بالای یک درخت واهی و خیالی بروند. یکی به دلیل اقدامات ضد امنیت ملی در سال ۸۸ و دیگری به‌خاطر کم‌کاری در عرصه اقتصاد در ۴ سال گذشته.

شوخی گرفتیم اما همه چیز جدی بود!

سالنامه

ادامه از صفحه اول

این البته شوخی نیست. شیخ راست می‌گوید امسال سال ۹۵ بود، یعنی سال ۹۴ نبود، سال ۹۳ هم نبود! هیچ سالی مثل امسال برای ما با این همه شوخی جدی نشد که عبرت بگیریم برای سال ۹۶ و سال‌های بعد از آن!

اما فارغ از همه این شوخی‌ها در این روزهای آخر سالی می‌خواهم چند جمله هم جدی جدی بنویسم که جناب رئیس‌جمهور شوخی‌ها را کناری بگذارید که جدی جدی مردم گله‌مندند و اگر گله آنها را رسیدگی نکنید دیری نخواهد رسید که متوجه این جمله معروف می‌شوید که «همیشه چقدر زود دیر می‌شود» و وقتی دیر شد دیگر کاری از هیچ‌کس بر نمی‌آید!